

علم أصول الفقه

٢٦

اوامر ١٨-٨-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

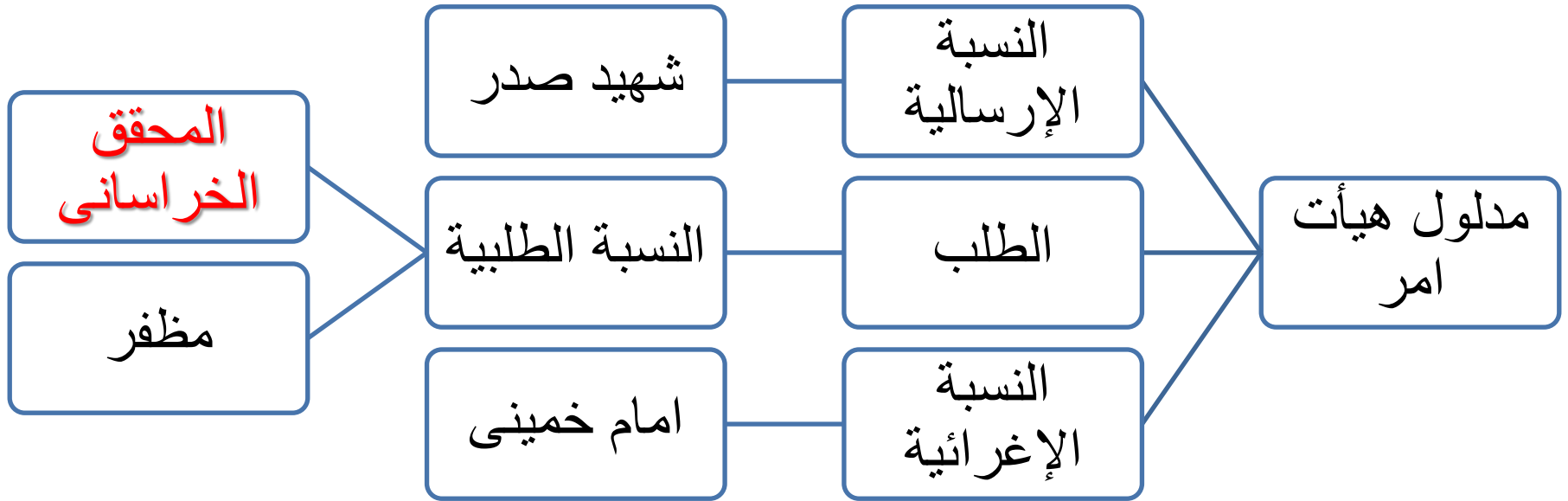


ماده

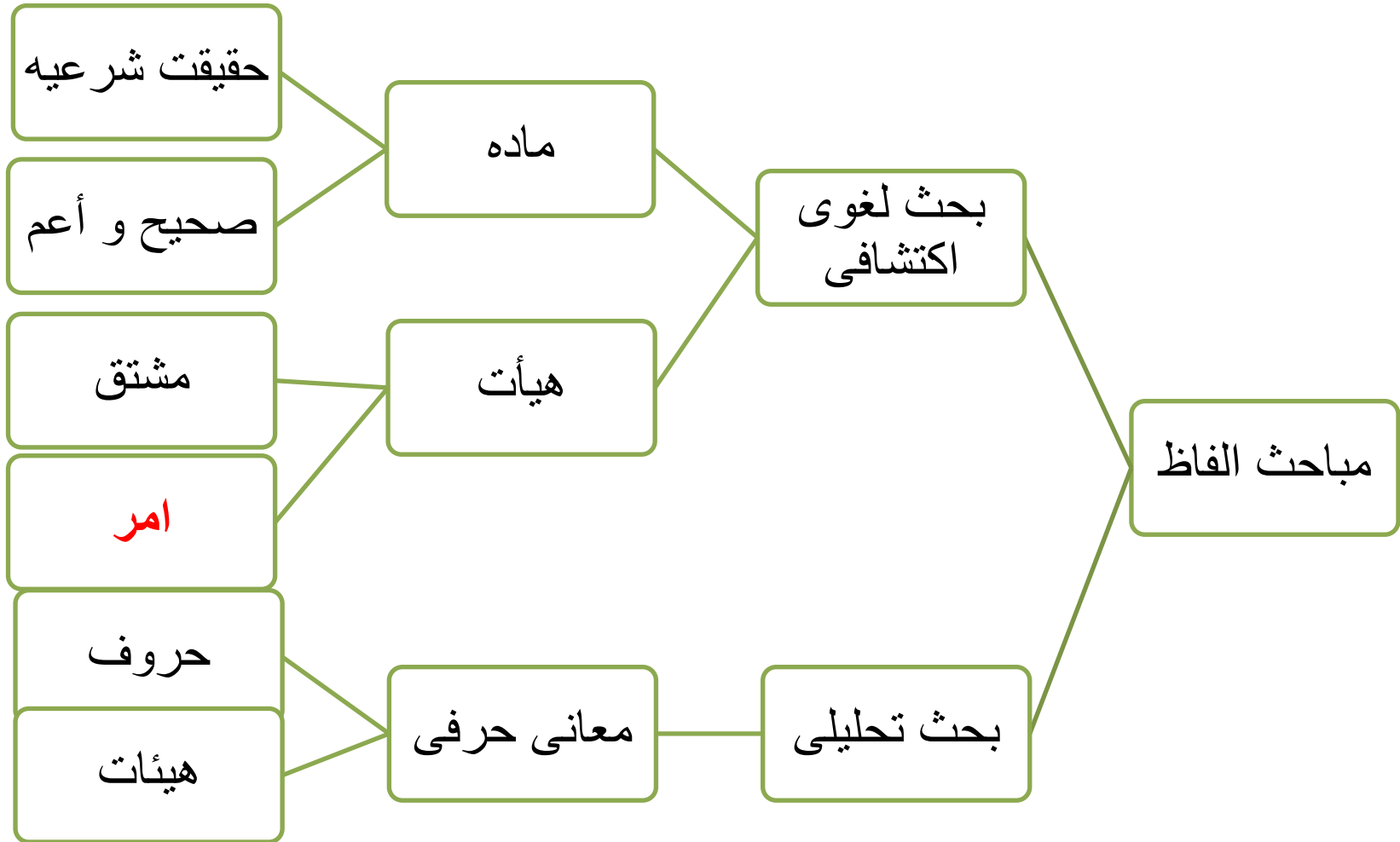
هيأت

امر

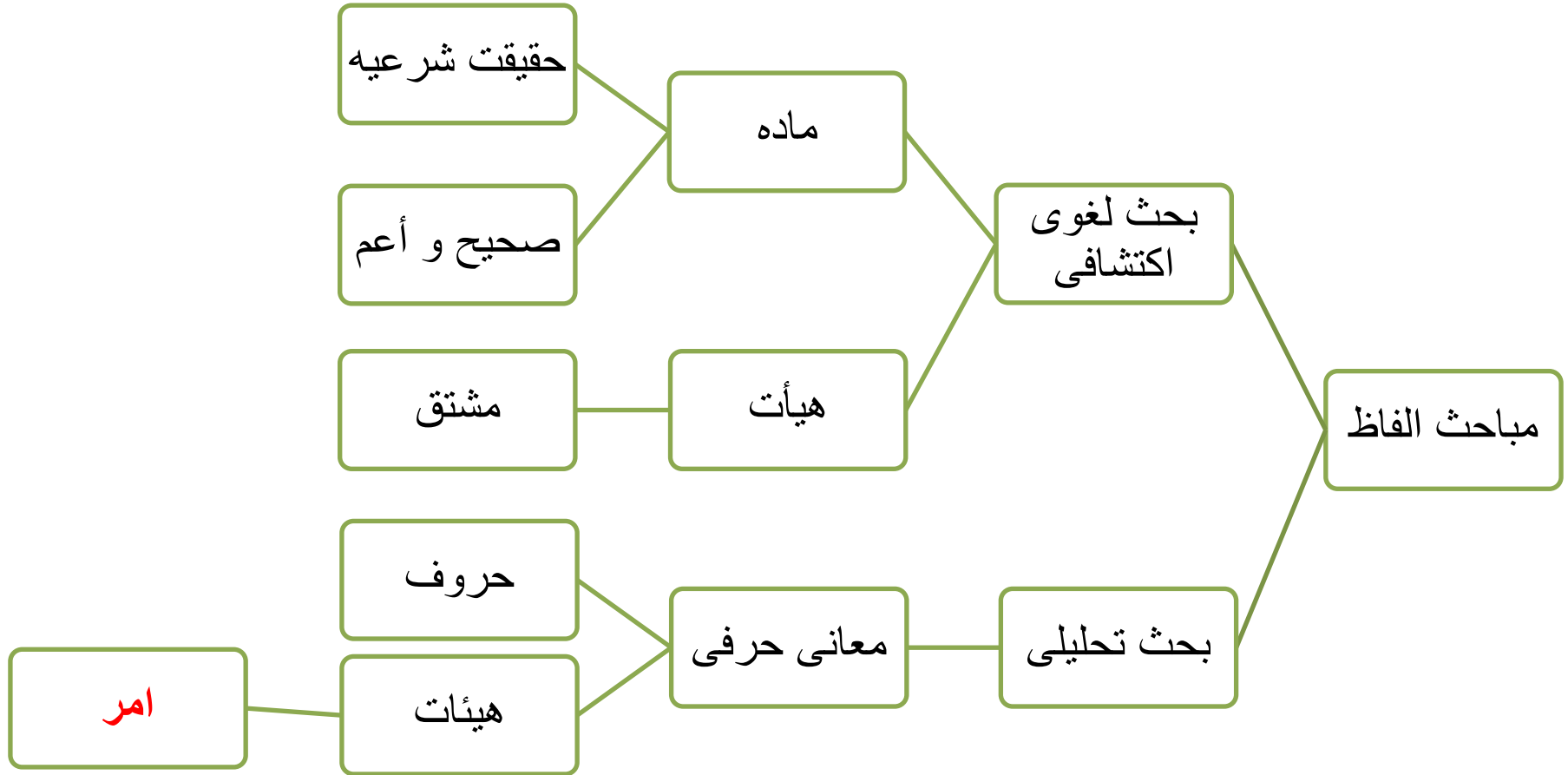
مدلول هيأت امر



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صیغه امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

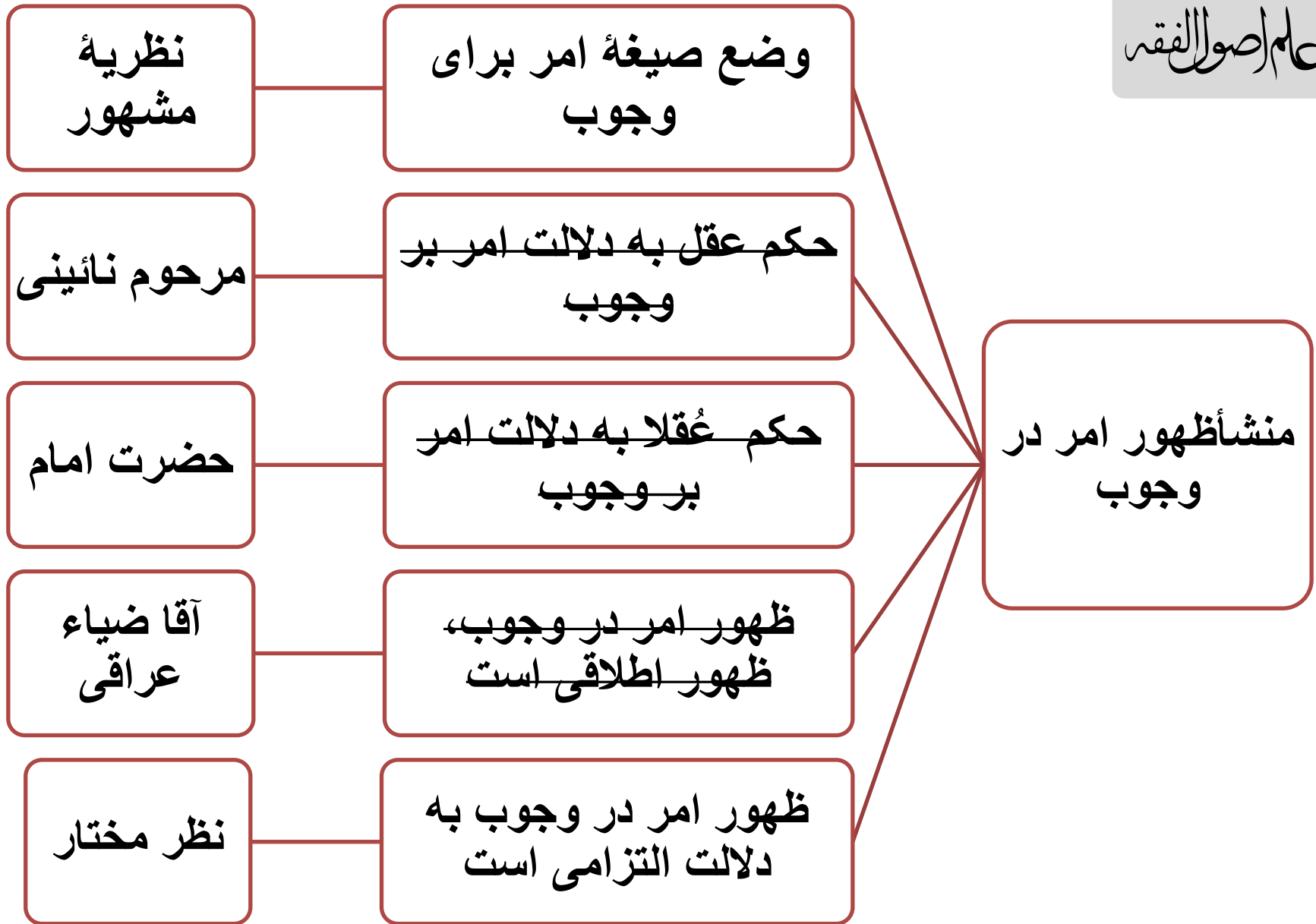
مرحوم نائینی

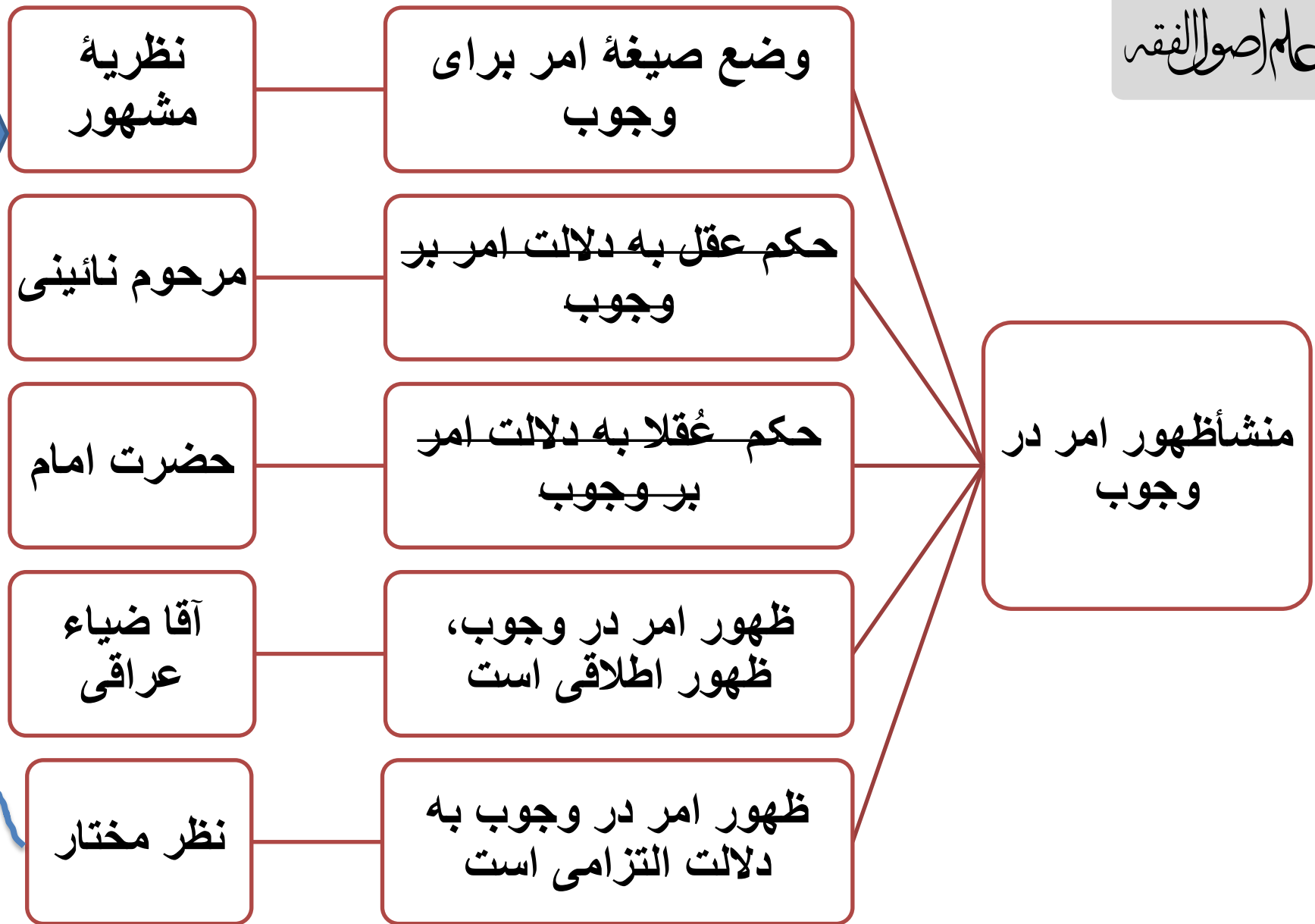
حضرت امام

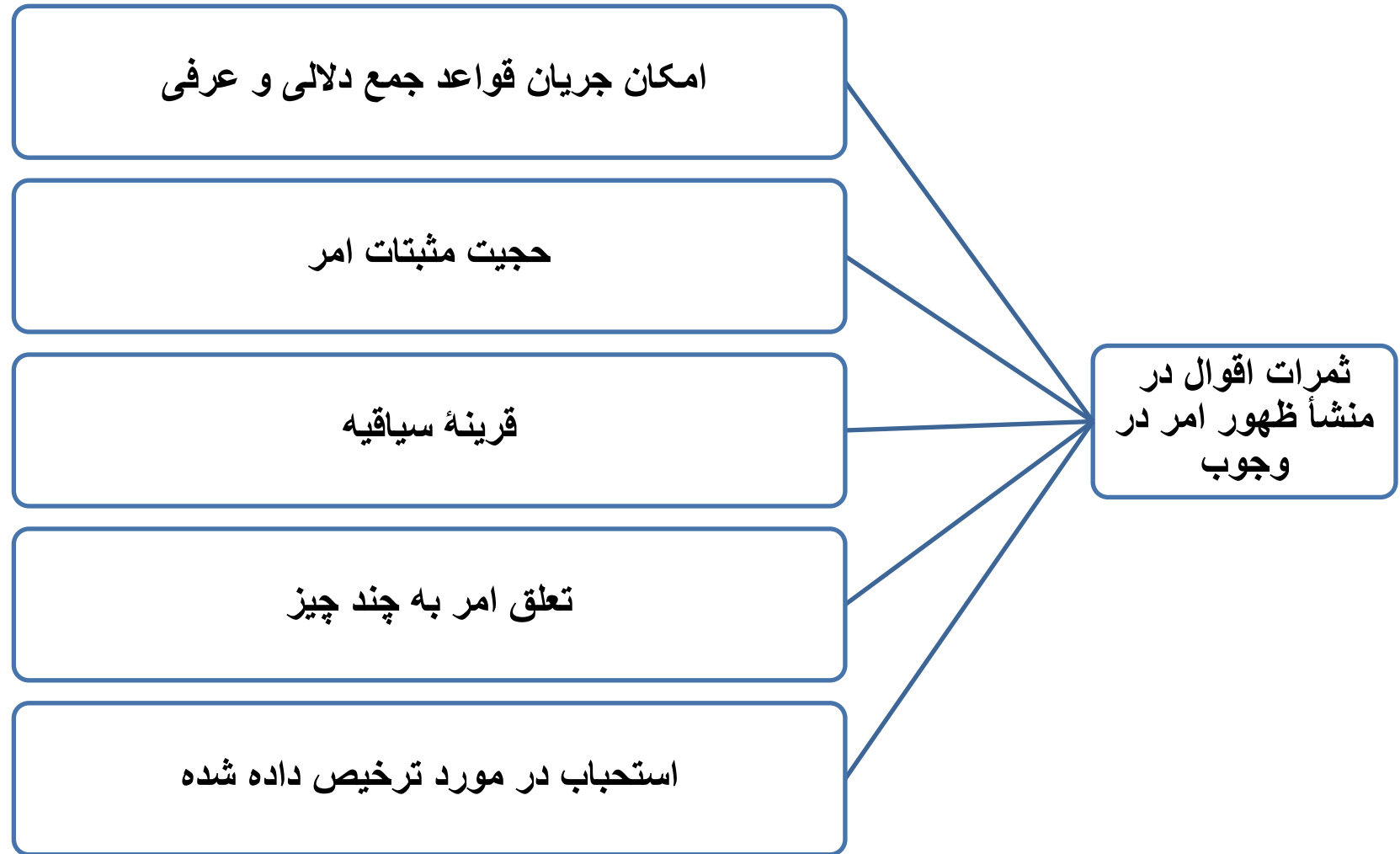
آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

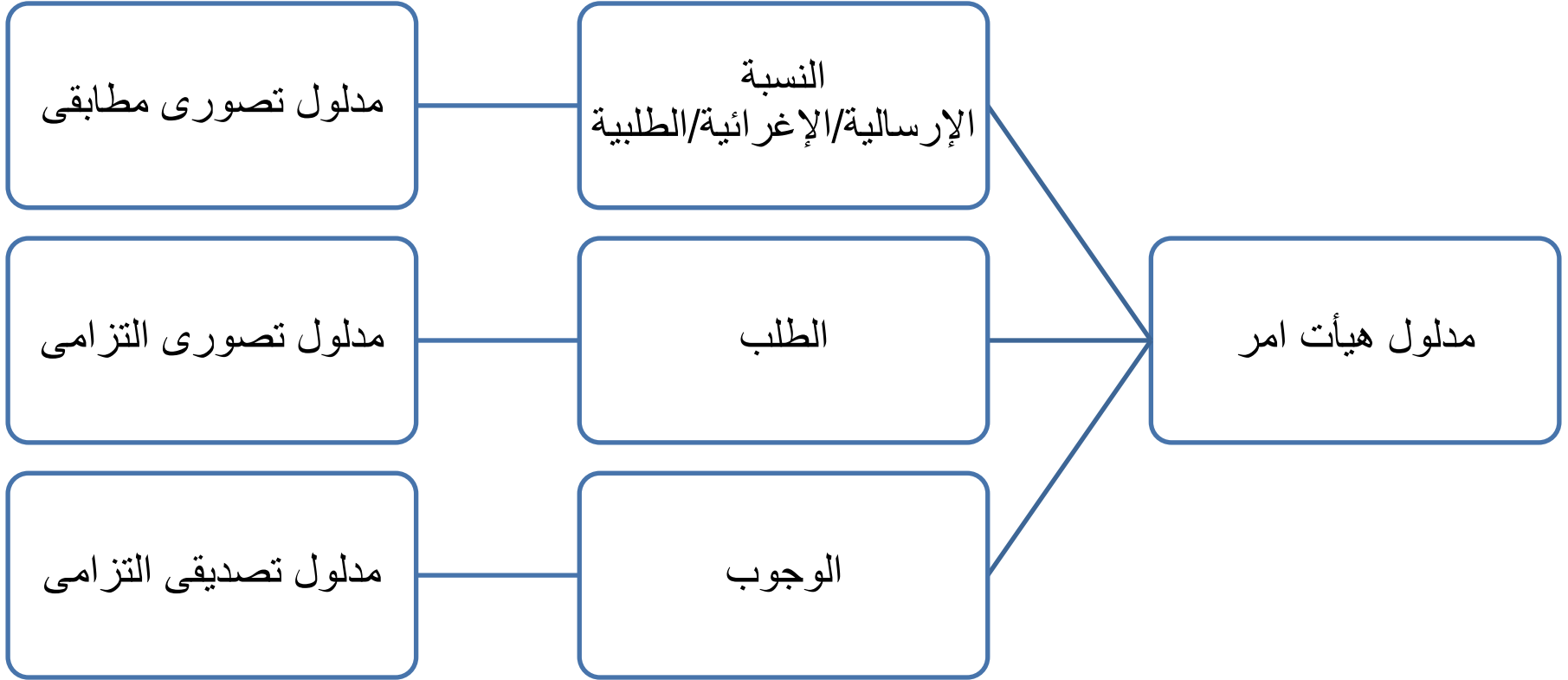
حکم عقل غیر از
حکم عقلا است.



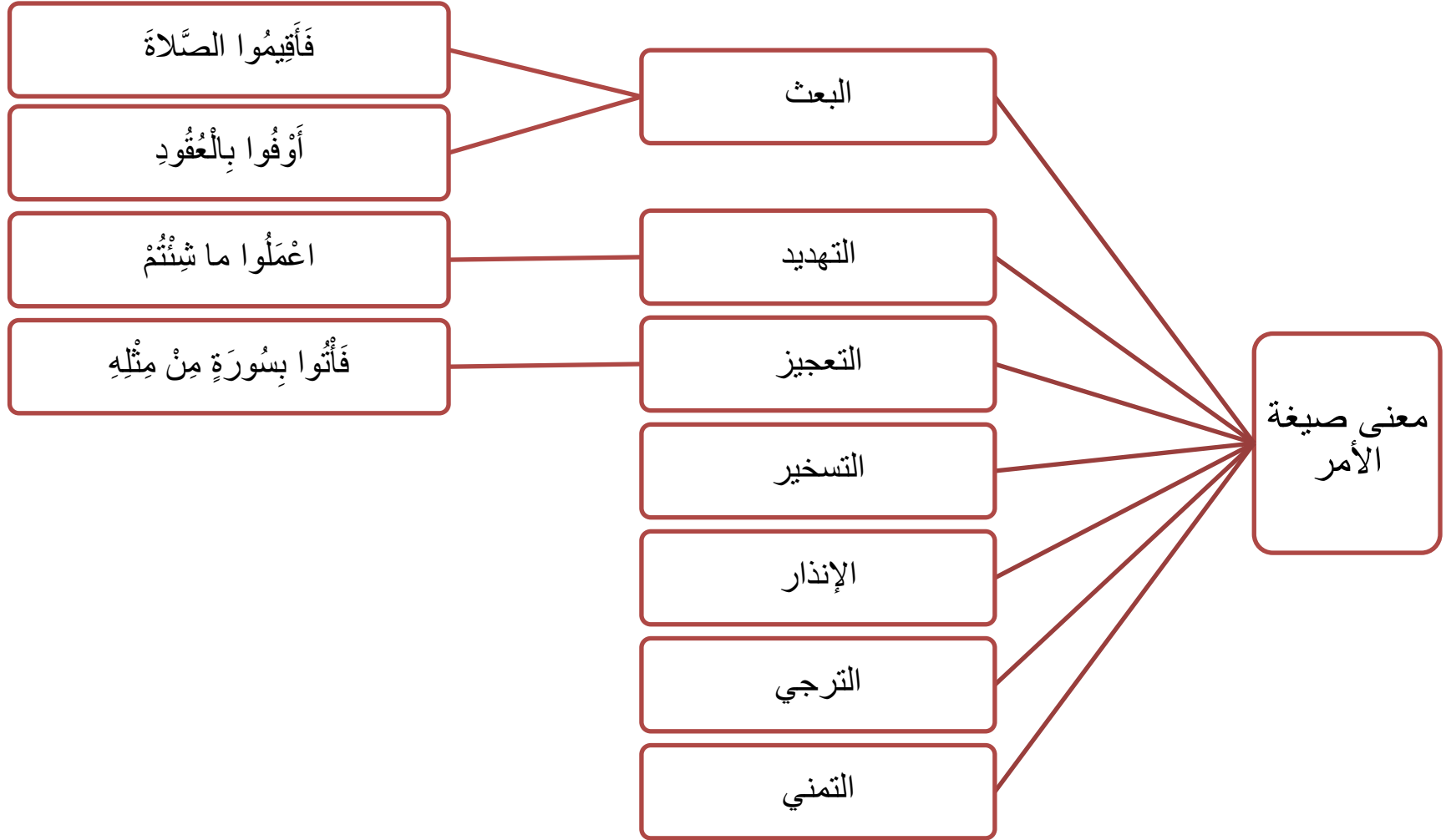




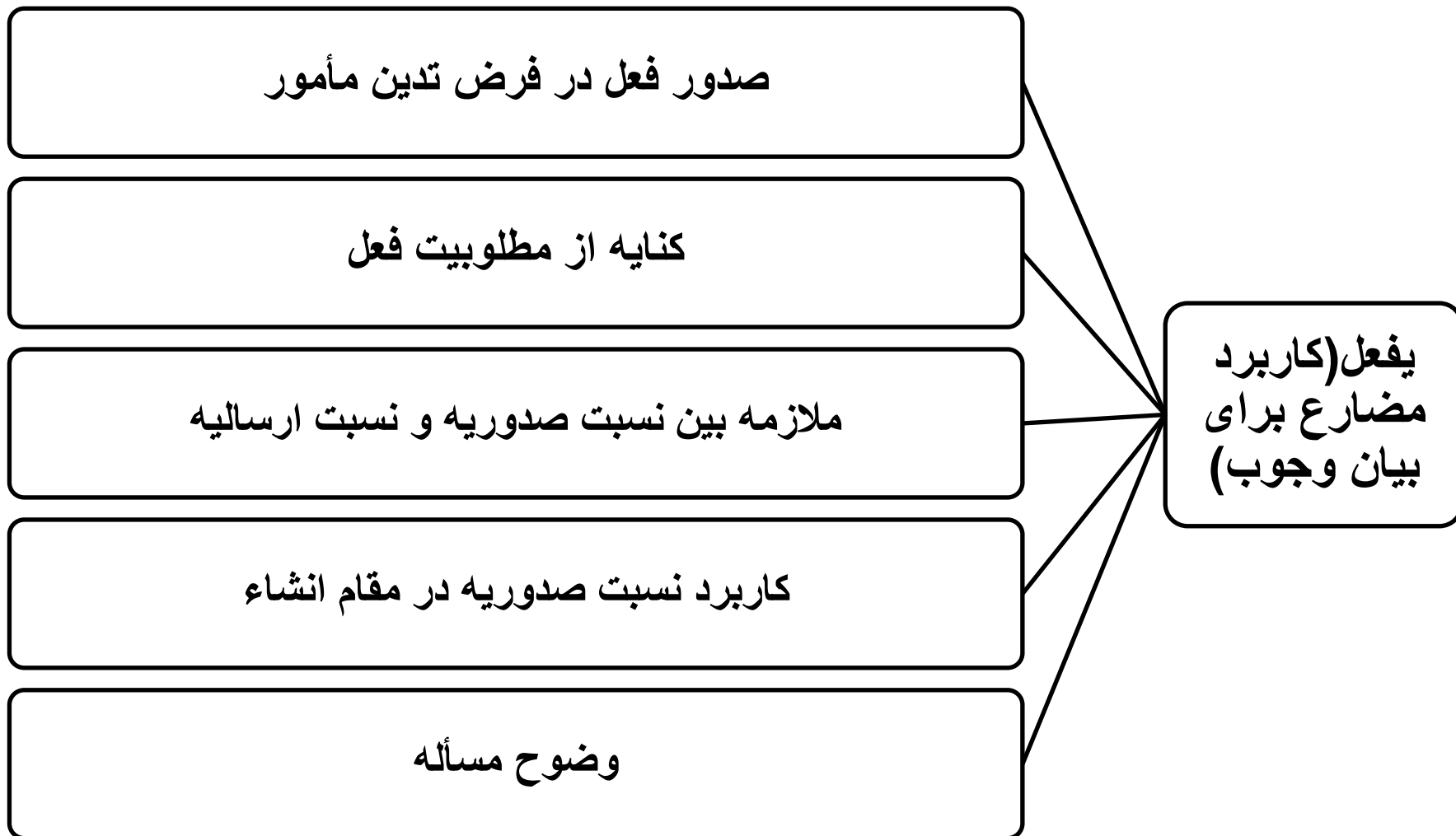
مدلول هيأت امر



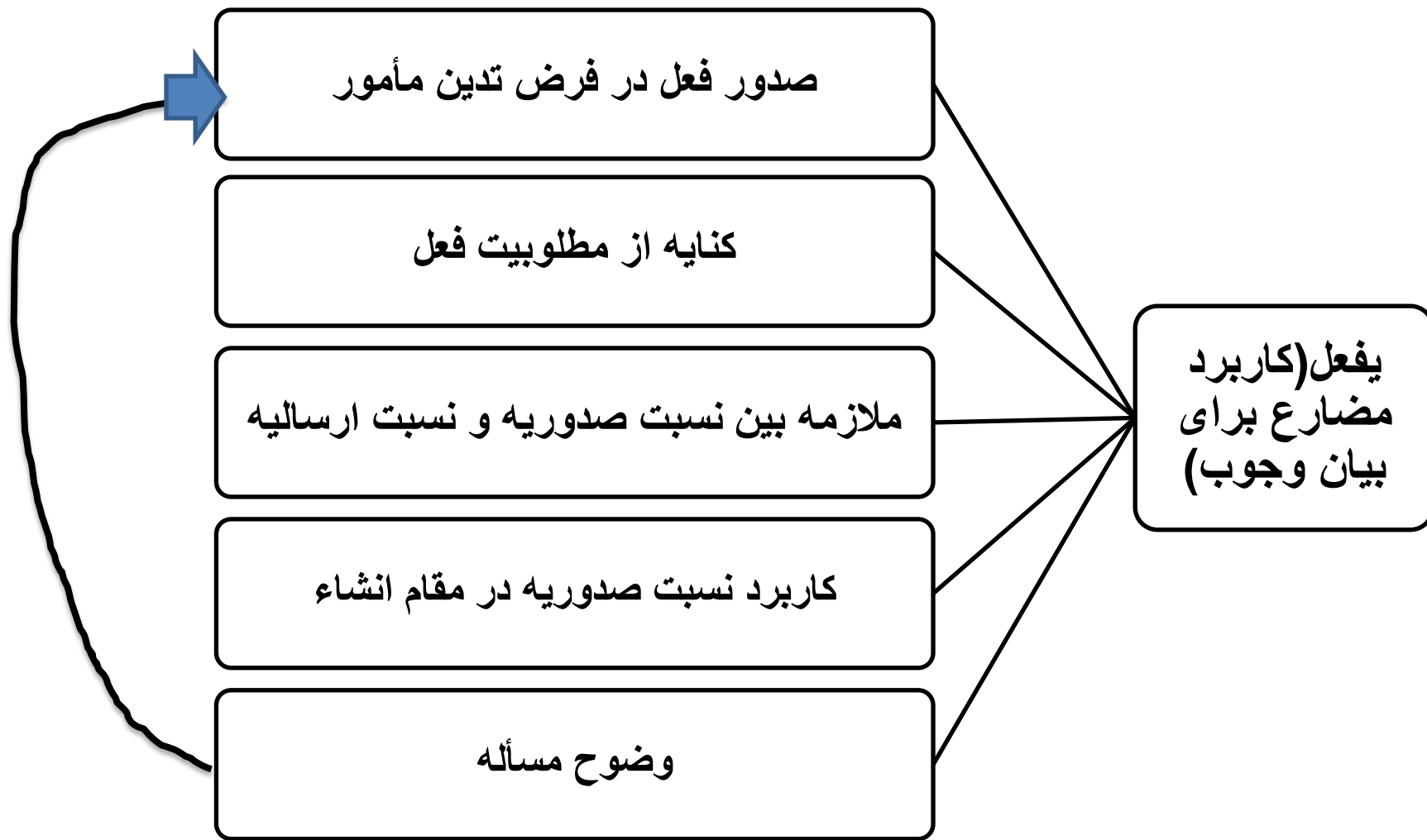
استعمال هيأت امر در غير طلب



بیان طلب به غیر از امر



بیان طلب به غیر از امر



بیان طلب به غیر از امر



بيان طلب به غير از امر

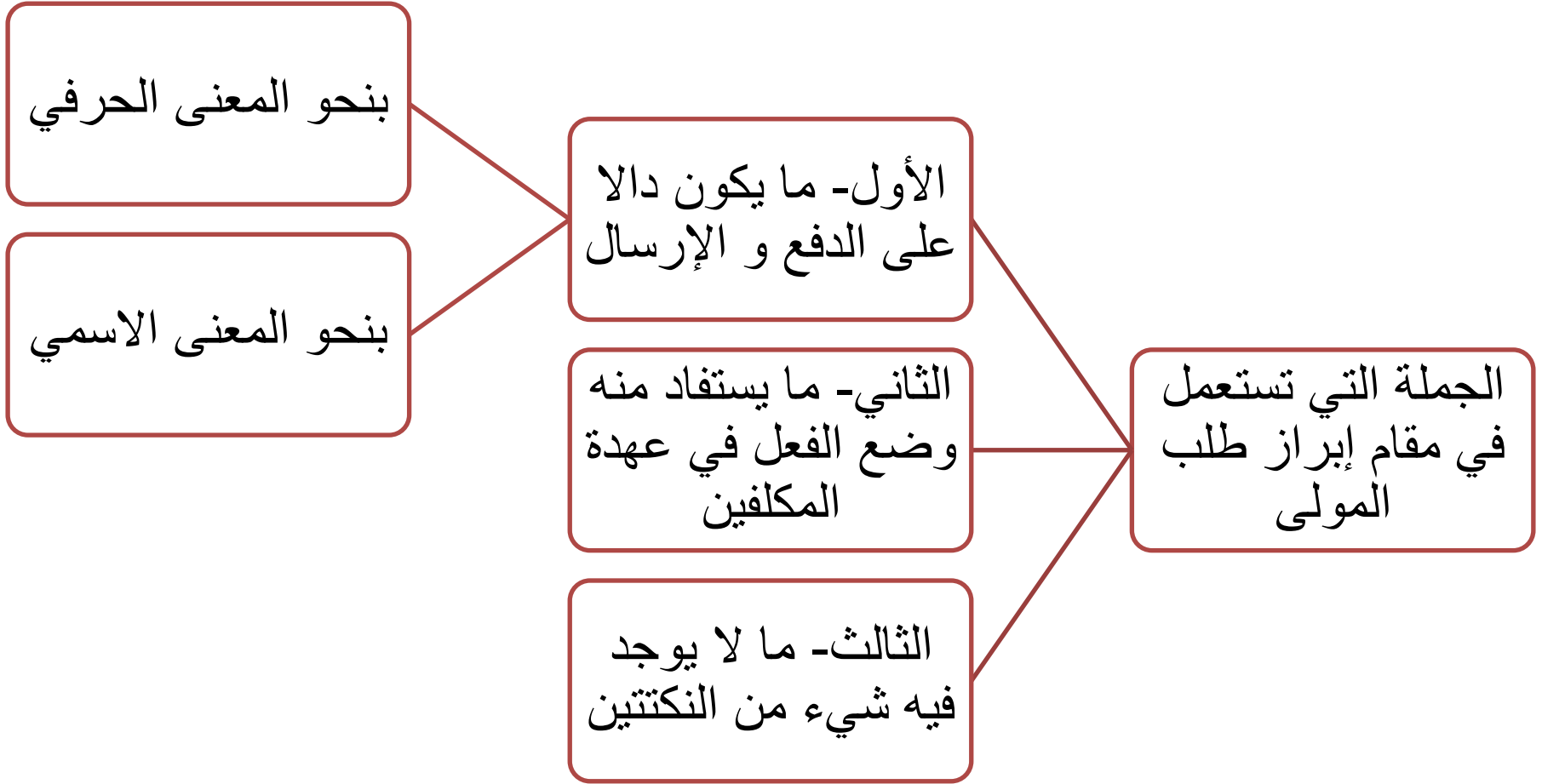
الأول- ما يكون دالا
على الدفع و الإرسال

الثاني- ما يستفاد منه
وضع الفعل في عهدة
المكلفين

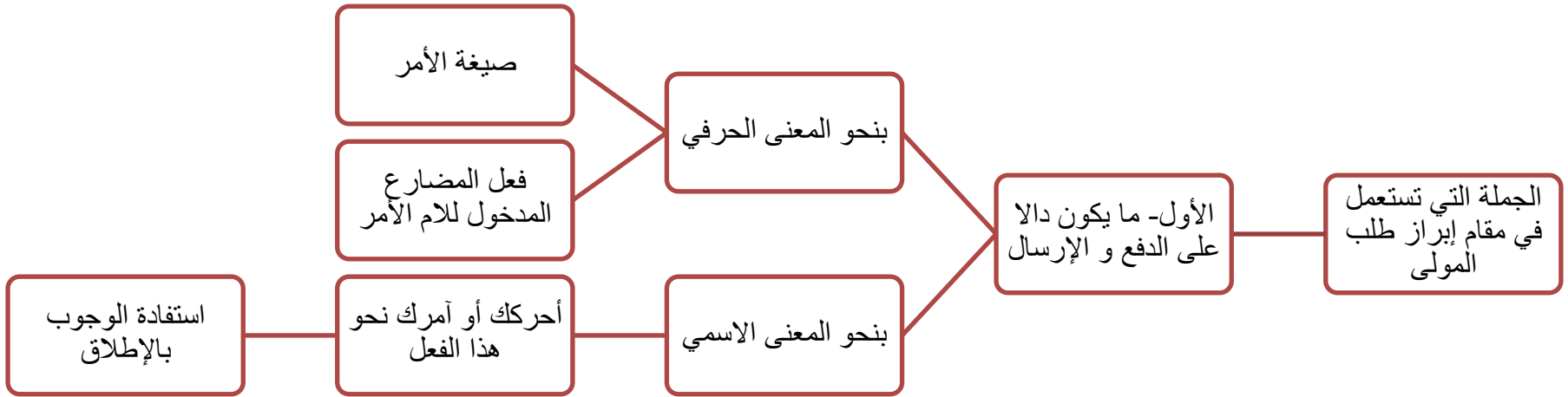
الثالث- ما لا يوجد
فيه شيء من النكتتين

الجملة التي تستعمل
في مقام إبراز طلب
المولى

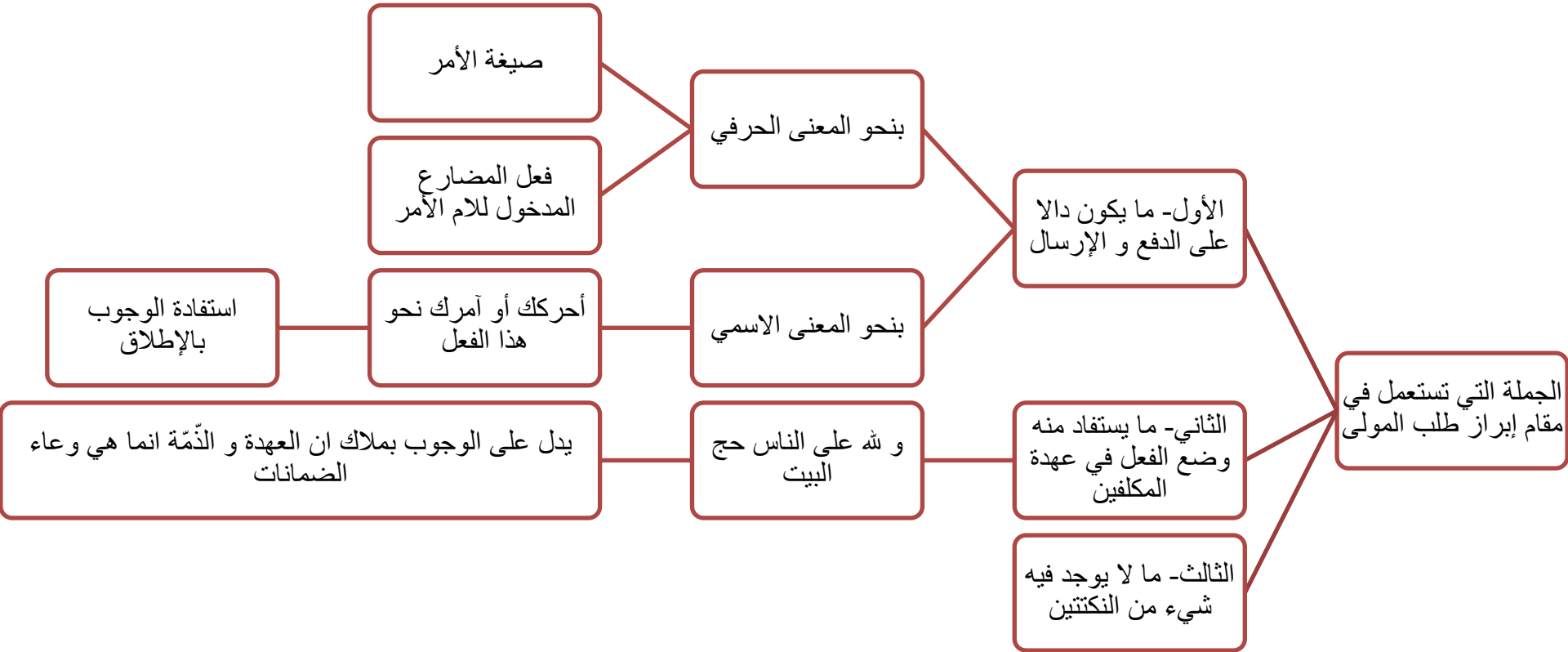
بيان طلب به غير از امر



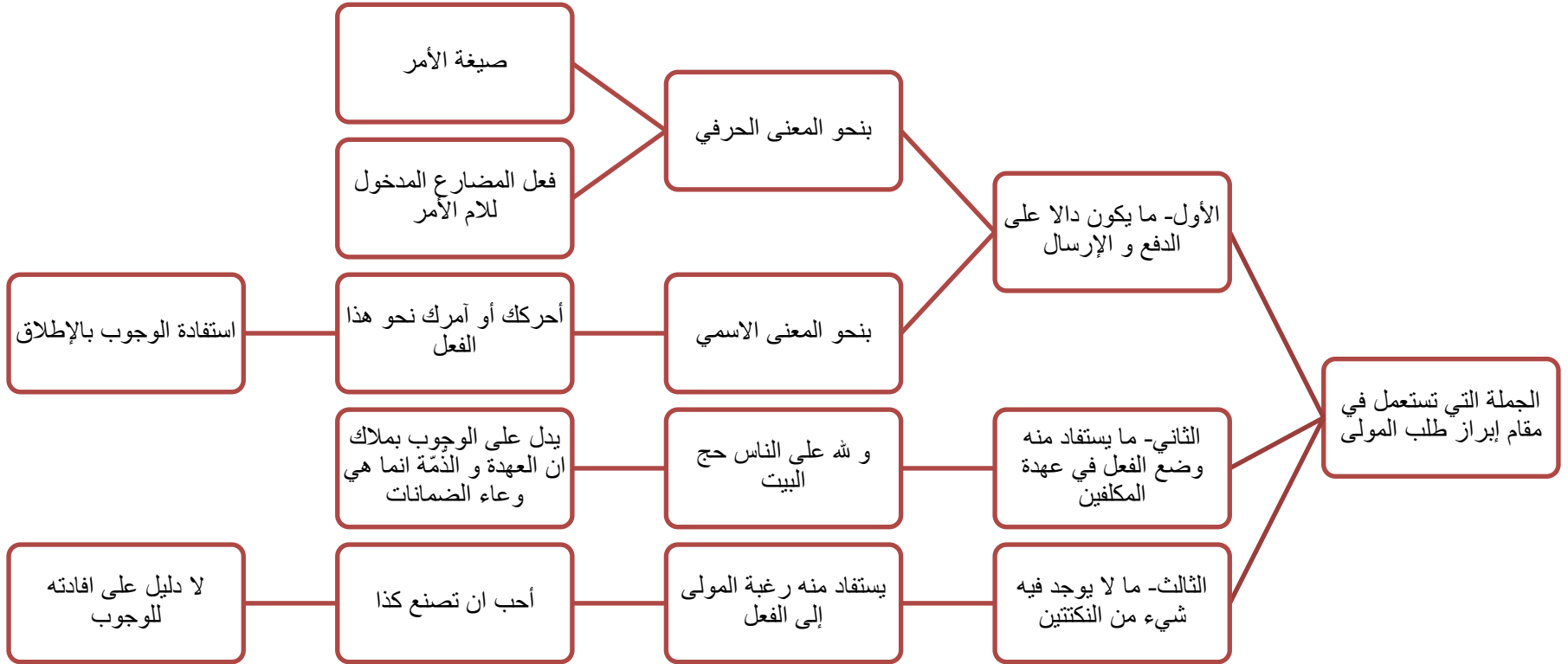
بيان طلب به غير از امر



بيان طلب به غير از امر



بيان طلب به غير از امر



موانع ظهور امر در وجوب

- موانع ظهور امر در وجوب
- در ذیل این بحث شهید صدر - رضوان الله علیه - این مسأله را مطرح کرده‌اند که در بعضی از موارد به دلیل وجود یک سری ارتکازات ممکن است امر ظهورش در وجوب را از دست بدهد؛ یعنی همان طور که حظر یا توهم حظر می‌تواند مانع از ظهور امر در وجوب باشد، وجود برخی از ارتکازات هم می‌تواند مانع از ظهور امر در وجوب باشد.

موانع ظهور امر در وجوب

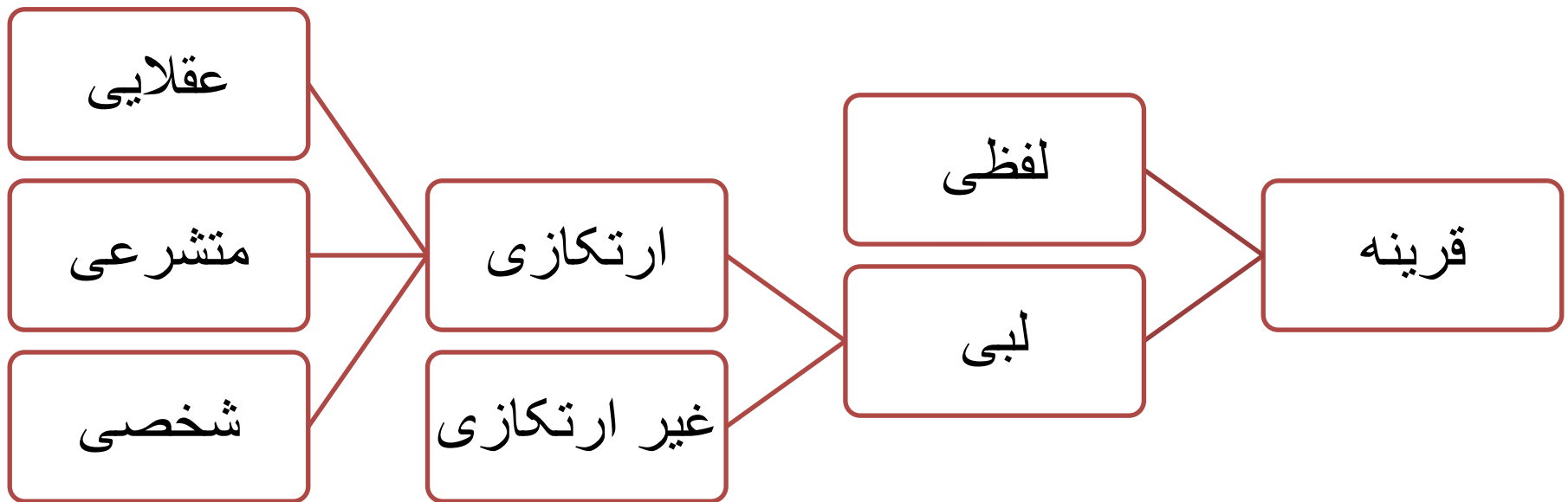
- نظر ایشان در این بحث به اوامری است که در آیات و روایات وجود دارد و هیچ قرینة لفظی‌ای برای حمل این اوامر بر خلاف ظاهر (استحباب) وجود ندارد و در عین حال می‌بینیم که این گونه اوامر پرر و چوب حمل نشده‌اند؛ مثلاً در آیه انصات می‌فرماید: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصِتُوا: وقتی قرآن خوانده می‌شود، گوش بدهید و سکوت کنید.» در اینجا هیچ گونه قرینة لفظی نیست بر اینکه مراد استحباب باشد اما کسی از این امر وجوب استفاده نکرده است و فتوا نداده است که در هنگام قرائت قرآن، واجب است دیگران گوش بدهند یا سکوت کنند.

موانع ظهور امر در وجوب

- یا نسبت به غسل جمعه وارد شده است: «إِغْتَسَلُ لِلْجُمُعَةِ وَ الْجَنَابَةِ». اینکه جمعه در این سیاق در کنار جنابت قرار گرفته است، مؤکد این معنا است که غسل جمعه مثل غسل جنابت واجب است و گویا شرط صحت نماز هم باشد اما کسی به وجوب غسل جمعه یا به شرطیت غسل جمعه برای صحت نماز فتوا نداده است.

موانع ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می فرمایند شاید یک ارتکاز متشرعی بوده است که مانع از ظهور این گونه اوامر در وجوب می شده است. احتمال چنین ارتکازاتی موجب اجمال دلیل و در نتیجه عدم امکان تمسک به ظاهر خواهد بود.
- به طور کلی وقتی یک عبارتی اعم از آیه و روایت به دستمان می رسد و احتمال دهیم قرینه لفظیه یا لبیه ای در کنارش وجود داشته است که به دست ما نرسیده است، اصولی ها این احتمال را با اصل عدم قرینه نفی می کنند.



موانع ظهور امر در وجوب

- ایشان سؤال می کند که مستند این اصل عدم قرینه چیست؛ یعنی از کجا می گوئیم اصل این است که حتماً قرینه لفظیه یا حالیه ای نبوده است.

موانع ظهور امر در وجوب

- ایشان می‌فرمایند ممکن است مقصود از اصل عدم قرینه، استصحاب عدم قرینه باشد به این معنا که بگوییم یک زمانی هیچ سخنی و هیچ حالی و هیچ شرایط و ویژه‌ای نبوده است که بخواهد قرینه باشد. بعد شک می‌کنیم آیا چنین سخنی صادر شده است یا چنین حال و شرایطی ایجاد شده است تا قرینه باشد. استصحاب عدم ازلی می‌کنیم و می‌گوییم که هنوز صادر نشده یا ایجاد نشده است.

موانع ظهور امر در وجوب

- اما این استصحاب نمی تواند ثابت کند که این ظهور به حال خودش باقی است؛ چون بقاء ظهور از لوازم عقلی این استصحاب است و استصحاب لوازم خودش را ثابت نمی کند. بنابراین اصل عدم قرینه نمی تواند مستند به استصحاب باشد.
- آیه و روایتی هم نداریم که گفته شده باشد، اصل عدم قرینه لفظیه یا لبیه است. یک قاعده عقلائی هم نداریم که گفته باشد اصل عدم قرینه لفظی و لبی است. پس در مواردی که احتمال وجود قرینه لفظی یا لبی را می دهیم، نمی توانیم این احتمال را نفی کنیم.

موانع ظهور امر در وجوب

- البته در مورد قرآن چون یقین داریم که چیزی به آن افزوده و چیزی از آن کاسته نشده است، احتمال اینکه قرائنی لفظی بوده و به ما نرسیده است، منتفی می گردد. در غیر این صورت معنایش پذیرش تحریف در قرآن است.

موانع ظهور امر در وجوب

- اما در مورد روایات احتمال برای نفی این احتمال می‌گوییم اینکه راوی سخن امام - علیه السلام - را نقل می‌کند و هیچ قرینه‌ای را ذکر نمی‌کند، نشان می‌دهد که قرینه‌ای در کار نبوده است؛ زیرا فرض این است که روای ثقة است و وثاقتش اقتضا می‌کند هر قرینه لفظی‌ای را که در فهم روایت دخالت داشته است، نقل کند.

موانع ظهور امر در وجوب

- حال که قرینه‌ای را نقل نکرده است، سکوت راوی نوعی شهادت است به اینکه قرینه‌ای در اینجا نبوده است. این شهادت سکوتی راوی همان طور که در قرائن لفظی قابل استناد است، در قرائن لیبی غیر ارتکازی هم قابل استناد است؛ یعنی یک فضای خاصی بین امام و راوی وجود داشته که به سبب آن راوی از کلام امام چیزی خلاف ظاهر می‌فهمیده است. البته چون غیر ارتکازی بوده است، فقط راوی این فضا را متوجه می‌شده است و اگر کلام **امام** را بدون قرینه برای دیگران نقل می‌کرد، آن‌ها خلاف ظاهر نمی‌فهمیدند. بنابراین در اینجا نیز وثاقت راوی اقتضا می‌کند که این قرینه لیبی غیر ارتکازی (شرایط و فضا) را هم نقل کند.

موانع ظهور امر در وجوب

- پس اگر در جایی راوی سکوت می‌کند و هیچ اشاره‌ای نمی‌کند که اینجا یک قرینه‌ای حالیه‌ای خاصی وجود داشته است، معلوم می‌شود که چنین قرینه‌ای در کار نبوده است. برای مثال وقتی می‌خواهم از یک مرجعی یا یک شخصیت سیاسی مطلبی را نقل کنم، در صورتی که ثقه و امانت دار در نقل باشم، باید همه قرائن لفظی موجود در کلام او که مرادش را مشخص می‌کند، نقل کنم نه اینکه مثل رسانه‌های بیگانه عمل کنم و تکه‌هایی از عبارت وی را نقل کنم تا مراد واقعی گویند با این مقدار معلوم نشود یا عکسش فهمیده شود.

موانع ظهور امر در وجوب

- حتی اگر **یک** قرائن لبی غیر ارتکازی در فضای تکلم وی وجود داشته باشد، باید آن‌ها را نقل کنم؛ مثلاً قبل از اینکه آن شخصیت این مطلب را بگوید، گفتگوهای بین من و او شده بوده و با در نظر گرفتن آن گفتگوها معلوم می‌شد که مرجع ضمیرها در سخن اخیر او چیست یا کیست. باید این فضای گفتگوها را هم نقل کنم.

موانع ظهور امر در وجوب

- اما احتمال قرائن لبی ارتکازی را نمی‌توان با شهادت سکوتی راوی نفی کرد؛ زیرا اگر احتمال بدهیم که یک قرینة لبی ارتکازی وجود داشته است، معنایش این است که همه در آن زمان در این فضا بوده‌اند؛ هر چند خودشان التفات تفصیلی به آن فضا نداشتند.

موانع ظهور امر در وجوب

- بنابراین راوی ثقه نیازی به نقل چنین قرینه‌ای نمی‌دیده است. اگر احتمال عقلائی بدهیم قرینه لبی ارتکازی وجود داشته است، نص مورد نظر گرفتار اجمال می‌شود و نمی‌توان به ظاهر اولی آن اخذ کرد.
- اینکه می‌بینیم امرهایی وجود دارد که هیچ قرینه لفظی بر حمل آنها بر استحباب وجود ندارد و در عین حال هیچ فقیهی فتوای به وجوب نداده است، به دلیل وجود همین نوع قرینه یا لااقل احتمال آن بوده است.
- .الأعراف، ۲۰۴.

موانع ظهور امر در وجوب

- . بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۱۱۸.
- . البته ممکن است حضرت چیزهای دیگر هم فرموده باشند ولی آن چیزها تاثیری در فهم آن عبارت نداشته است.
- . ایشان اسم این را شهادت سکوتیه می گذارد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- دلالت امر بر مره با تکرار
- این بحث در دو سطح مطرح می شود: سطح اول اینکه آیا مره و تکرار جزء موضوع له امر است یا نه و سطح دوم اینکه اگر مره و تکرار جز موضوع له امر نیست، آیا اطلاق امر اقتضایی نسبت به مره یا تکرار دارد یا خیر.

دلالت امر بر مره با تکرار

- وقتی مولا امر می‌کند، آیا این امر ظهور دارد در اینکه مأمور یک بار مأمور به را اتیان بکند یا چند بار؟ به تعبیر دیگر آیا مره و تکرار جزء مدالیل امر هستند؟ آیا امر برای یکی از این دو وضع شده است؟

دلالت امر بر مره با تکرار

- طبق بحثی که کردیم هیأت امر بر نسبت ارسالیه دلالت می‌کند و در موضوع له یا مدلول مطابقی آن نه مره وجود دارد و نه تکرار. پس این قسمت از سؤال واضح است که مره و تکرار جزء موضوع له امر نیستند.
- به همین دلیل اگر امری صادر کنیم و مقید کنیم به مره یا تکرار، هیچ مجازیتی لازم نمی‌آید؛ مثلاً اگر بگوییم «صل مرة» یا «صل مکرراً» مدلول صل هیچ فرقی در دو حالت نمی‌کند.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اما اگر مثلاً مره جزئی از موضوع له بود، یک نوع تفاوتی احساس می‌شد و مکرراً قرینه می‌شد که «صل» در موضوع له خودش استعمال نشده است.
- ما وجداناً چنین تفاوتی را نمی‌یابیم و این مقدار اختصاصی به زبان عربی ندارد.
- در زبان‌های دیگر مثل فارسی هم وقتی می‌گوییم «نماز بخوان یک بار» و بعد بگوییم «نماز بخوان چند بار» در معنای «نماز بخوان» تغییری احساس نمی‌کنیم.

دلالت امر بر مره با تکرار

- با فرض اینکه مره و تکرار جز موضوع له امر نیستند، آیا اطلاق امر اقتضای مره دارد یا تکرار یا هیچ یک؟ مقصود از اطلاق امر یعنی اینکه امر صادر شود و هیچ قرینه‌ای دال بر مره یا تکرار وجود نداشته باشد؛ برای مثال صرفاً مولا بگویند: «صل» و قید «مرة» یا «مرات» نیامورد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- با مراجعه به وجدان لغوی خودمان می بینیم در جایی که پدری به فرزندش می گوید نان بخر و نمی گوید یک بار یا صد بار، وقتی این فرزند یک بار نان خرید، احساس می کنیم به امر اتیان کرده است.
- در مولای شرعی هم همین طور است. وقتی مولا به عبد خودش می گوید نماز بخوان و او یک بار نماز خواند، به امر اتیان کرده است. بنابراین وجدان لغوی اقتضا می کند که اطلاق امر دال بر مره باشد و با یک بار اتیان مأمور به، امر امتثال شود.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اکنون به این مثال توجه کنید. اگر در زبان فارسی رئیسی یا مولایی به عبدی یا مرئوسی بگوید: ~~عالم را دانشمند را اکرام کن~~
- و این عبد یا مرئوس با عالمی برخورد کند و او را اکرام کند، آیا به این امر اتیان کرده است؟
- اگر عالم دیگری پیدا شد آیا همچنان وظیفه‌ای دارد؟

دلالت امر بر مره با تکرار

- اگر به ذوق لغوی و عرفی خودمان و فهمان از این نوع عبارات مراجعه کنیم، می بینیم که این شخص با هر عالم و دانشمندی که برخورد کند، باید وی را اکرام کند و اینکه یکی از عالمان را اکرام کرده باشد، باعث نمی شود که دیگر نسبت به بقیه عالمان وظیفه ای نداشته باشد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اکنون همین فهم عرفی را در قالب اصطلاحات اصولی بیان می‌کنیم. برای اینکه بحث ما ساده شود ما اصطلاح موضوع و متعلق را به کار می‌بریم و مقصودمان از متعلق اکرام و از موضوع عالم است.
- «أکرم العالم» نه در ناحیه متعلق امر اشاره‌ای به مره و تکرار کرده است و نه در ناحیه موضوع امر، بلکه فقط با تعبیر کلی بدون اشاره به مصداق یا مصادیقی خاص، اکرام را مطالبه کرده است و شخص را به سوی طبیعت اکرام در جایی که طبیعت عالم تحقق دارد، ارسال می‌کند.

دلالت امر بر مره با تکرار

- در اصطلاح گفته می‌شود اطلاق در ناحیه متعلق مفید بدلیت است و در ناحیه موضوع مفید شمولیت؛
- یعنی معنای گزاره «أكرم العالم» به اقتضای اطلاق این است که هر عالمی را به شکلی از اشکال اکرام کن.
- چرا مقتضای اطلاق در موضوع و متعلق با یکدیگر فرق می‌کند؟ اصولی‌ها کمتر به این سؤال پرداخته‌اند.

دلالت امر بر مره با تکرار

- تا قبل از این سؤال ما به دنبال کشف یک ظهور بودیم و بحث ما یک بحث لغوی اکتشافی بود.
- شهید صدر - رضوان الله عليه - یک مقدار جلو تر می رود که این جلو تر رفتن خروج از بحث اکتشافی است.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اینکه چرا اطلاق دو نوع اقتضا دارد، یک بحث فلسفی - تحلیلی است. البته این تحلیل برای فهم اطلاق و موارد مشابه به ما کمک می‌کند. شهید صدر - رضوان الله علیه - در اینجا تحلیلی می‌کنند که خیلی مطلب ساده‌ای است ولی همین مطلب ساده با همه سادگی اش مبهم است.